

نیما

شماره مسلسل ۱۲۲

سال یازدهم

شهریور ماه ۱۳۳۷

شماره ششم

دکتر صدیق

استاد دانشگاه - سناتور

چند شغل و يك نفر

باوجود زحمات بی‌حدی که در بالا بردن سطح زندگی مردم در چند سال اخیر کشیده شده - باوجود کارهای مهمی که بتازگی انجام گردیده مانند نصب لوله نفت اهواز بتهران و اتصال راه آهن سرتاسری به مشهد و تبریز - با وجود تأسیس چند کارخانه جدید چون کارخانه های قند چناران و تربت حیدری و فسا و کارخانه های سیمان شیراز و لوشان و دورود - با وجود فراهم کردن مقدمات ساختمان سد سفیدرود کرج - باوجود قراردادهای جدید نفت باشرکتهای آمریکائی و ایتالیائی و کانادائی با تأمین منافع بی نظیر برای ایران . . . معذک یک نوع ناراحتی و عدم رضایتی در طبقه تحصیل کرده و جوان مشهود است که باید بعلم آن پی برد و در حدود امکان آن علل را از میان برداشت تا ثباتی که در اثر فداکاری و جان بازی در مملکت بوجود آمده پایدار بماند و روز بروز مستحکم تر شود و موجبات آسایش ملت بیشتر فراهم گردد.

بنظر من یکی از علل مذکور تبعیض های ناروایی است که دولت معمول میدارد وعده ای را که متنفذ یا متمکن هستند، بدون دلیل دیگر، بر هنرمندان و دانشمندان ترجیح میدهد و آنانرا بمقامات دولتی و ملی و اجتماعی و اقتصادی منصوب می نماید که در این باب باید مقالات جداگانه نگاشت تا حق مطلب ادا شود. یکی دیگر عدم تعقیب و تنبیه کسانی است که علی رؤس الاشهاد اموال عمومی را اختلاس و تصاحب میکنند و راست راست در جامعه راه میروند و دولت متعرض آنها نمیشود. علت سوم عدم اجرای قوانین جزائی و مالی مخصوصاً در مورد صاحبان زور و زراست. یکی از علل نیز ارجاع چند شغل است بیک نفر، که در این مقاله مختصری در باره آن گفته خواهد شد، باشد که سودمند و مؤثر افتد.

نخستین ضرر ارجاع چند شغل بیک نفر اینست که شخص شاغل از عهده انجام آنها بر نمی آید و یک قسمت از امور اجتماعی ما فلج میشود و ارباب رجوع قهراً ناراضی میگردند. مثلاً کسی که علاوه بر معلمی در یکی از مدارس عالی، در آن واحد در بانک ملی و راه آهن و سازمان بیمه های اجتماعی و شرکت بیمه، کار دارد چگونه میتواند به همگی آنها برسد. چون انجام وظیفه در پنج مؤسسه غیر ممکن است شخص مذکور هر روز بنوبت در یک یا دو مؤسسه غیبت میکند و در یکی دو مؤسسه هم خودی نشان میدهد و میرود. اگر احیاناً بخواهد وظیفه معلمی را انجام دهد چون وقت کافی برای مطالعه ندارد درشش بی ارج و قیمت، و اطلاعاتش منحصر بآن است که در موقع تحصیل آموخته و در اثر عدم مطالعه از دنیا عقب مانده و معلوماتش بکلیات تبدیل شده است.

دومین مفسده ای که از ارجاع چند شغل بیک نفر حاصل میشود اخلاقی و روحی است، و زیان آن از ضرر های دیگر بیشتر است. اعضای مؤسسات پنجگانه مذکور و ارباب رجوع می بینند شخصی که بواسطه توصیه نخست وزیر بچندین شغل منصوب شده است از هر یک از آن مؤسسات حقوق کافی میگیرد ولی وظیفه ای انجام نمیدهد و مردم را معطل و سرگردان میکند و کسی از او بازخواست نمی کند و جریمه نمیگیرد، بلکه در آغاز هر سال مبلغی بر حقوق یادست مزد و مدد معاش و

یاداش او افزوده میشود . ازینرو کارمندان دیگر دل سرد و نومید و معتقد میشوند که از راه کوشش و کار و انجام وظیفه ارتقاء مقام و افزایش حقوق بدست نمی آید بلکه باید يك نفر طرفدار متنفذ پیدا کرد ، و بتمام مسائل اخلاقی پشت پازد ، و افکار عمومی را بهیچ شمرد . این عقیده مردم را به عصیان می کشاند و یکی از عوامل بسیار مؤثر در تشنج جامعه است .

فساد سوم اینست که راه را بر جوانان مسدود میکنند - بر جوانانی که در دانشگاههای آمریکا و اروپا تحصیل کرده و از آخرین تحقیقات و اکتشافات بهره مندند و بمقامات مهم علمی نائل گشته اند . يك جوان سی ساله که بدرجه دکتری رسیده و یکی دو سال هم در دانشگاههای آمریکا بتدریس پرداخته و حقوق کافی گرفته وقتی بوطن مألوف بر میگردد متوجه میشود که در تهران و مراکز مهم کاری برای او نیست و اگر شغلی باو پیشنهاد میشود، اولاً مربوط برشته تحصیلی او نیست، ثانیاً در محل و مؤسسه ای است که معلومات او در آنجا بی مصرف است و نمی تواند خدمتی بسزا انجام دهد، ثالثاً او را زیر دست شخصی بخدمت می گمارند که حرف او را نمی فهمد - و حال آنکه شغل مربوط برشته تحصیلی او به شخصی واگذار شده که دارای چهار شغل دیگر است و وقت برای انجام کار ندارد و حاضر هم نیست از آن دست بکشد و کسی هم دربند آن نیست که از او خدمت بخواهد .

البته این ایرانی تحصیل کرده تازه وارد، در آمریکا ابواب خدمت را بروی جوانان دانشمند لایق باز دیده و معتقد و معتاد برعایت امتیاز فضلی شده است . بنا براین در محیط ما از مشهودات و مسموعات خود متأثر و مأیوس میگردد و برفقای خود در اروپا و آمریکا مراتب رامی نویسد و آنها را در تحصیل شست میکند . خودش نیز با جلای وطن میکند، یاپس از مبارزات درونی حالش دگرگون میشود و همرنگ جماعت میگردد و از اصول اخلاقی که بدان پای بند بوده صرف نظر میکند، و در هر دو صورت مملکت از وجود او بهره مند نخواهد شد و خدمتی که ممکن بود بمیهن خویش کند نخواهد کرد .

چهارمین فساد، ایجاد کینه است . همکاران کسی که چند شغل دارد می بینند که

یکی از آنان بدون هیچ دلیل خاصی - جز توصیه و حمایت اصحاب نفوذ - چند کار بعهده دارد و چند برابر آنها حقوق دریافت میکنند. در دل آنها آتش حسادت شعله ور میشود و نسبت بمؤسسه خود و اولیای دولت و وضع مذکور خشمگین میشوند. عده‌ای از آنها در کار خود سست میگردند، وعده‌ای دیگر تلاش میکنند که حامی زورمندی برای خود دست و پا کنند و بجای کوشش در انجام وظیفه وقت خود را صرف پشت هم اندازی و بدست آوردن مشاغل دیگر میکنند.

برای جلوگیری از این مفاسد چندبار قوه مقننه اقدام کرده است. نخستین قانون در ۱۶ جوزا ۱۳۰۱ وضع شده که ماده سوم آن بدین قرار است: «ارجاع و جمع دوشغل متمایز باد و حقوق اداری ممنوع است.»

بواسطه کمبود معلم در آن تاریخ در ماده ششم قانون مذکور این استثناء گنجانده شده: «مستخدمین دوائر دولتی هر گاه در مدارس دولتی، در غیر وقت کار اداری، تدریس نمایند مقرری تدریس را هم میتوانند دریافت دارند.»

متأسفانه از هر دو ماده مذکور سوء استفاده کردند. نسبت بماده سوم ممنوعیت را بدین ترتیب مرتفع کردند که وجهی را که برای مشاغل فرعی می پرداختند پاداش و کمک خرج نامیدند تا در ردیف «حقوق اداری» در نیاید. نسبت بماده ششم نیز ابلاغ تدریس چند ساعت در هفته در مدارس ابتدائی صادر کردند - در صورتیکه آموزگار باید تمام اوقات را در کلاسهای دبستان صرف کند و قسمت عمده روز با اوقات کار اداری مصادف است. ازینرو پس از چند سال ناگزیر شدند بموجب قانون، تدریس در غیر وقت اداری را مختص مدارس عالی کنند.

در سلطنت رضاشاه که قوانین اجرا می شد ارجاع چند شغل بیک نفر ممنوع بود ولی پس از واقعه ۳ شهریور ۱۳۲۰ مجدداً رویه سابق احیا شد.

برای تسهیل، معاملات و امور محاسبات عده‌ای از ادارات دولتی را بصورت بنگاه و مؤسسه و شرکت و سازمان در آوردند تا مجبور نباشند قوانین مالی را در آنها رعایت نمایند. برای مثال میتوان ادارات ذیل را نام برد: بنگاه راه آهن - بنگاه مستقل برق - بنگاه آبیاری - مؤسسه دخانیات - سازمان برنامه - سازمان آب

تهران - سازمان بیمه‌های اجتماعی - شرکت سهامی فرش - شرکت سهامی تلفون...
 عده‌ای دیگر را که تمام سرمایه آنها از دولت است «ملی» نامیدند مانند بانک ملی -
 شرکت ملی نفت

در این مؤسسات عده‌ای از افراد را که شغل دیگر داشتند در عین حال به عضویت
 هیأت مدیره یا هیأت بازرسی یا به عنوان این دیگر منصوب کردند و گفتند که چون این
 مؤسسات دولتی نیست حقوقی که از آنها میگیرند «حقوق اداری» نیست. در سنوات
 اخیر مجلس شورای ملی و سنا هم مشمول عواطف دولت قرار گرفت و کسانی که مشاغل
 دیگر داشتند بنمایندگی مفتخر شدند بدون اینکه مشاغل مذکور را رها کنند.
 در ۱۳۳۵ جناب آقای دشتی با کمال شهامت در مجلس سنا پیشنهاد کردند
 که نمایندگان سنا و شورای ملی در مدت نمایندگی از وکالت دادگستری ممنوع باشند.
 مجلس سنا باین پیشنهاد رأی داد، ولی مجلس شورای ملی که شانزده نفر وکیل دادگستری
 در آن عضویت دارند آنرا بجزریان نینداخت و مطرح نکرد، و دولت هم از ضعف و
 ناتوانی موضوع را تعقیب ننمود و به تضعیف عدلیه و اعمال نفوذ در محاکم کمک نمود.
 در فوق تصویب بودجه ۱۳۳۶ مملکت، در جلسه ۲۵ اسفند ۱۳۳۵ نگارنده
 تبصره‌ای پیشنهاد کرد که متن آن بقرار ذیل بود:

«هیچ يك از کارمندان دولت و کارمندان مؤسساتی که از محل وجوه عمومی
 اداره میشود، نمی‌تواند بیش از يك شغل و يك حقوق داشته باشد.»

با وجود مخالفت وزرای دارائی و فرهنگ پیشنهاد مذکور در مجلس سنا تصویب شد
 ولی از آن تاریخ تا کنون در کمیسیون استخدام مجلس شورای ملی بایگانی شده است!
 در ۲۷ آذر ۱۳۳۶ قانون استفاده از خدمت معلمان در وزارتخانه‌ها و مؤسسات
 دولتی بتصویب رسید. بموجب این قانون برای آینده اشتغال معلمان را بخدمات
 دیگر تابع ترتیبات و تشریفات کردند که تا حدی مانع ارجاع چند شغل بمعلم خواهد
 بود (زیرا که هر مورد باید بتصویب شورای دانشگاه و هیأت وزیران برسد)، لیکن
 قانون مذکور وضع موجود را حفظ کرده زیرا مقرر داشته کسانی که علاوه بر معلمی
 مشاغل دیگر دارند پس از رسیدگی «در صورت احتیاج» از تشریفات مذکور معاف

باشند و کماکان در شغل خود باقی بمانند و شنیده نشد که با احتیاجات وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی رسیدگی، یا شخصی در اثر عدم احتیاج وزارتخانه و مؤسسات دولتی از مشاغل فرعی بر کنار شده باشد، و ظاهراً تمام معلمینی که چندین شغل و چندین حقوق و پاداش داشتند هم اکنون در مقام خود باقی هستند.

غرض از ذکر قوانین عمده‌ای که از ۱۳۰۱ تا کنون در خصوص عدم ارجاع چند شغل بیک نفر وضع شده اینست که قوه مقننه متوجه مفاسد این امر بوده ولی تا کنون نتیجه محسوس بدست نیامده، و حتی هنوز عده‌ای از نمایندگان مجلسین دارای چند شغل هستند که هر یک از آن مشاغل بالاستقلال محتاج به شخصی است که تمام اوقات و همت خود را صرف آنها کند.

امیدواریم باتذکراتی که بطور اختصار در این مقاله داده شد دولت متوجه مفاسد اخلاقی و روحی ارجاع چند شغل بیک نفر بشود و برای خشنود کردن چند نفر متنفذ راضی نشود که فساد بر جامعه مستولی گردد.

لویزان ۵ مرداد ۱۳۳۷

عیسی صدیق

نکته

تاپاك كردم از دل زنگار آز و طمع

زی هر دری که روی نهم، در، فرازیست

جَاهِست و قدر و منفعه، آنرا که طمع نه

عزاست و صدر و مرتبه، آنرا که آزیست

خسروانی (قرن چهارم)